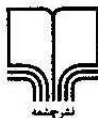


غازکننده‌گان رمان مدرن ایران

تحلیل رمان‌های بوف کور، سنگی برگوری، سنگ‌صبور، خروس، سازدها، حجاب،
کریستین و کید، آشفالدولی، ملکوت

حسین سنایپور



- سرشناسه: سناپور. - ص. ۵۰.
- عنوان و نام پدیدآور: آغازکن: مان رمان مدرن ایران: تحلیل رمان‌های بوف کور، سنگی بر گوری، سنگ‌صبور، خروس، شازده احتجاب، کریست و کید، اشغال‌دونی، ملکوت / حسین سناپور
- مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه. ۱۳۹۷
- مشخصات ظاهری: ۲۵۱ ص.
- شابک: ۹۸۰-۲۲۹-۶۰۰-۹۷۸
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
- یادداشت: نمایه
- عنوان دیگر: تحلیل رمان‌های بوف کور، سنگی بر گوری - ص. خروس شازده احتجاب، کریستن و کید، اشغال‌دونی، ملکوت
- موضوع: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
- موضوع: History and criticism: Persian fiction -- 20th century
- موضوع: داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
- موضوع: History and criticism: Short stories, Persian -- 20th century
- موضوع: داستان‌نویسان ایرانی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
- موضوع: History and criticism: Novelists, Iranian -- 20th century
- رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ / ۹۱۶ PIR۳۸۶۹
- رده‌بندی دیوئی: ۸۱۳ / ۶۲۰۹
- شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۲۲۲۴۹۴

رده‌بندی نشر چشمه: ادبیات، درباره‌ی ادبیات

آغازکننده‌گان رمان مدرن ایران
تحلیل رمان‌های بوف کور، سنگی بر گوری، سنگ صبور، خروس، شازده احتجاب،
کریستین و کید، آشغال‌دونی، ملکوت
حسین سناپور

چاپ و صحافی: دارا
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۷، تهران
ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان
حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.
م‌گونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۹۸۰-۲

دفتر مرکزی نشر چشمه: تهران، زرگر، مالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.
تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ — کتابفروشی نشر چشمه: خیابان کریم‌خان، تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزای
شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷. تلفن: ۹۰۷۷۶۶ — کتابفروشی نشر چشمه‌ی کورش: تهران، بزرگراه ستاری
شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کوروش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴. تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸ —
کتابفروشی نشر چشمه‌ی آرن: تهران، شهر قدس ۱ (رب)، فرحزادی، نرسیده به بزرگراه نیایش، خیابان
حافظی، نبش خیابان فخرامقدم، مجتمع تجاری آر حقیقی. تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵ — کتابفروشی
نشر چشمه‌ی رایزن: تهران، خیابان نیاوران (باهنر)، بعد از پارس (سمت تجریش)، پلاک ۳۱۱. تلفن:
۲۶۸۵۴۱۳۵ — کتابفروشی نشر چشمه‌ی بابل: بابل، خیابان شهر، ۳۳. شیرینی‌سرای بابل. تلفن:
۳۲۴۷۶۵۷۱ (۰۱۱) — کتابفروشی نشر چشمه‌ی کارگر: تهران، کارگر شمالی، مع بزرگراه شهید
گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲. — کتابفروشی نشر چشمه‌ی پریس: تهران، بابان باد ناران، نبش
گلستان یکم، مجتمع پریس، طبقه‌ی دوم. تلفن: ۹۱۰۰۱۲۵۸ — پخش کتاب چشمه: ۷۷۷۸۸۰۱

www.cheshmeh.ir

cheshmehpublication

cheshmehpublication

فهرست

۷	پیش درآمد
۱۳	بوف کور؛ رمزهای دوتایی برای شناخت درون بیرون
۵۳	سنگی بر گوری؛ آل احمد در روشنی
۹۹	سنگ حبور؛ فقط مرگ پاسخ این همه فلاکت است
۱۲۵	خروم؛ ظهور و سقوط
۱۵۵	شازده احتجاب؛ تاریخ عکس‌های تکرار شونده است
۱۸۱	کریستین و کید؛ شناخت سبک گلشیری در آینه‌های معرق
۲۰۷	آشغال‌دونی؛ مواجهه‌ی سناعدی با شهر
۲۲۱	ملکوت؛ غراب آدمی یا شهر؟
۲۴۹	نمایه

پیش درآمد

بازخوانی میراث گذشته و بازنگری پیشرفت داستان نویسی ماست. این بازخوانی اما فقط کار منتقد و محقق نیست. فقط خواندن مهم ترین آثار نویسنده گان نسل های گذشته هم نیست؛ بلکه بازخوانی آثار گذشته ای آن هاست از طرف هر کسی همچون خود من، اگر که بخواهد بر شانه های نویسندگان بایستد که قدی افراشته داشته اند در تاریخچه ی کوتاه داستان نویسی کشور. در این تاریخچه هر چند کوتاه است، اما آن قدرها بسته و تنگ نیست؛ محدوده یی است شنا غریب از انواع تجربه های رئالیستی و غیررئالیستی و با انواع داستان های نمادین، نا رئالیستی، تاریخی، و حتا با نگاهی گاه اسطوره یی. بازخوانی من اما شامل تمام این تنوع نمی شود و محدود است به رمان های مدرنی که به گمان خودم بیش ترین تأثیر را بر داستان نویسی بعد از خود داشته اند، یا حتما می توانستند داشته باشند اگر که نشر بدهنک، مردم ندود و اماواگرهای زمانه می گذاشت. تأثیر بعضی از این آثار انکار نکردنی است؛ از بوف کور گرفته تا شازده احتجاب و سنگ صبور. آن ها که کم تر به شان پرداخته شده، شاید تحلیل شان نشان بدهد که چه کارهای مهمی بوده اند و هستند در داستان نویسی ما؛ از خروس گرفته تا آشغال دونی و تا به خصوص کریستین و کید.

طبعاً کتاب های دیگری هستند که به اعتقاد کسانی دیگر تأثیرگذاری بیش تری شاید از این کتاب ها داشته باشند، و باید در چنین مجموعه یی می آمده اند که قصد

بازخوانی و تسویه حساب با گذشته‌ی داستان‌های مدرن‌مان را دارد. شاید. من چنین اعتقادی نداشته‌ام و خودم را به همین کتاب‌هایی که خواهید دید، محدود کرده‌ام. طبعاً داستان‌های رئالیستی را هم از این مجموعه کنار گذاشته‌ام، چون آن‌ها حال و هوای دیگری دارند و جهانی دیگر خلق می‌کنند با تفاوت‌های اساسی در مقایسه با داستان‌هایی که در این مجموعه آورده‌ام؛ مثل سووشون، جای خالی سلوچ، همسایه‌ها و چند رمان دیگر از احمد محمود، و همین طور چند کتاب مهم دیگر از همین قبیل، که حتماً بازخوانی‌شان در یک مجموعه ضرورتی است برای همان حلورفتنی که حرفش زده شد، اما به هر حال جزء این مجموعه نمی‌توانستند بایند که خودش را محدود به آغازکننده‌گان رمان مدرن ایران کرده است؛ رمان‌هایی که تقریباً همگی «به‌جز سنگ‌صبور» کوتاه‌اند و پیش از انقلاب هم منتشر شده‌اند. کوتاهی این رمان‌های مدرن — با حجم حدود صد صفحه و کم‌تر — جالب است. انحراف فضاهای کم‌وبیش غریب این رمان‌ها اجازه‌ی گسترش بیش از این نمی‌داده است. می‌شود البته آن به غیر حرفه‌یی بودن داستان‌نویسی کشورمان هم ربط داد که خود به خود چنان مجال کارهای بلند را انگار نمی‌داده است. اما نگاهی به حجم زیاد کارهای رئالیستی (که در بالا از بعضی‌شان نام برده شد) نشان می‌دهد که دلیل کوتاهی رمان‌های مدرن، یک چیزی در خود این رمان‌ها باشد و نه لزوماً غیر حرفه‌یی بودن نویسنده‌گی در ایران. گمان من تمرکز بر مفاهیم و ایده‌ها، به جای تمرکز بر شخصیت‌ها و وضعیت اجتماعی، دلیل کوتاهی این رمان‌های مدرن است. از این میان فقط سنگ‌صبور نسبتاً طولانی است که آن هم با حذف شاید بعضی تکرارهای نا لازم از نیمه‌ی اول کتاب و صفحه‌بندی به شیوه‌ی امروزی‌تر، چندان حجیم‌تر از رمان‌های پیش گفته نخواهد شد.

نگاه این داستان‌نویسان مدرن چه نمادین باشد (مثل خروس) و چه بر یک مفهوم متمرکز شده باشد (مثل خشونت در شازده احتجاب و یا هویت این جایی در کریستین و کید)، همه‌ی ماجراها را حول همان مفهوم و نماد شکل می‌دهد و وقتی آن مفهوم کاملاً شکل گرفت، داستان دیگر تمام است. این است که همه‌ی این

رمان‌های کوتاه بیش از آن‌که قصدشان ساختن شخصیت‌ها و یا اجتماع باشد (که البته این هم کم‌وبیش هست)، ساختن هویت جمعی آن اجتماع و یافتن ریشه‌های هویتی آن اجتماع، و حث‌ریشه‌های هستی‌شناختی آن آدم‌هاست. همین‌هاست که اغلب این رمان‌های کوتاه را عمیق و گاهی دشواریاب هم کرده است. شگردهای نوتر و روایت غیرخطی هم معمولاً بخشی جدایی‌ناپذیر از این رمان‌ها هستند. پس عجیب نیست که این رمان‌ها بیش‌تر محل مناقشه و سوءتفاهم و بحث هم بوده باشند. همین است که بازخوانی چندباره‌ی این دسته از رمان‌های — می‌شود گفت — کلاسیک شده‌مان را ضروری کرده است.

درون‌مایه‌های این رمان‌های کوتاه و مدرن را هم می‌توانم در توجه‌شان به تاریخ پُر از جبر و حتمیت و انحصار خلاصه کنم. چه ختا آن‌گاه که عاشقانه‌ی کریستین و کیدرا هم که می‌خوانیم، با هم مع آن بق را در تقابل تاریخ ایران (شرق) و غرب می‌یابیم و این‌که خشونت و چرخش جبری در نوشتن هر کدام را از دیگری دور می‌اندازد تا آن‌جا که امکان عشق و رابطه در دست‌مان ده شخصیت وجود ندارد. در بقیه‌ی رمان‌هایی هم که صحبت‌شان خواهد شد، رجوع به تاریخ آشکار است، چه تاریخی دور باشد و چه نزدیک، و تاریخ انگار از خشونت جدا نیست، دست‌کم تاریخی که ما با آن سروکار داشته‌ایم، و با قدرت و با سده‌ها هم. بودن زنده‌گی و جبری که بر همه چیز سایه انداخته هم (که این خود زاده‌ی خشونت است و بازتولید آن)، دست‌مایه‌ی دیگری است که در این رمان‌ها دیده می‌شود. عاشقانه‌ی دست‌مایه‌ی سوم و سویی‌ی مقابل آن دست‌مایه‌های قبلی است. عشق بارزترین و پُررنگ‌ترین جنبه‌ی زنده‌گی است و غیابش نشانه‌ی سلطه‌ی چیزی از جنس شر و شراب با چیزی نیست جز همان تاریخ هم‌پسته با جبر. این هر دو قتل‌گاه عشق و زنده‌گی را در رمان‌های مدرن ایران ساخته‌اند؛ گو که رد این تقابل در بوف‌کور و شازده‌احتجاب و سنگ‌صبور پُررنگ باشد و در خروس و آشفال‌دون‌ی کم‌رنگ و پنهان در مناسبات اجتماعی همان زمانه.

به همین دلیل هم هست که فکر می‌کنم می‌شد نام «تاریخچه‌های جبر و

خشونت» را هم بر این کتاب گذاشت؛ چه هر کدام برشی کوتاه یا بلند بر تاریخ مان زده‌اند و جبر را سایه‌انداز بر این تاریخ. به هر حال این مایه‌ها به هر کیفیتی که در این رمان‌های کوتاه آمده باشند، از آن‌ها جدایی ناپذیرند.

این رمان‌ها البته یک‌سطح و هم‌ارز نیستند و تاکنون هم زمانه همین داوری را درباره‌شان داشته و بعد از این هم با بازنگری‌های متعدد همین کار را خواهد کرد، اما به هر حال سعی من این بوده که بیش از ارزش‌گذاری، تحلیل‌شان کنم و سعی کنم مهم‌ترین جنبه‌های هر کدام را بررسی کنم تا مگر سپس، داوری کلی درباره‌ی هر رمان منصفانه‌تر شود. مقالات مجموعه هم در زمان‌های متفاوتی نوشته شده‌اند، اما به جز کیستین و کید که در سال‌های دورتر و برای مجموعه مقالات کتاب هم حوالی کتاب رفته شد، همه برای همین مجموعه نوشته شده‌اند و کم‌وبیش شیوه‌ی برده با هم یکی یکسان بوده است؛ یعنی پرداختن به فرم و درون‌مایه و پی‌رنگ و دوسه جنبه‌ی دیگر رمان‌ها با همان روش یکسانی بوده که شخصاً فکر می‌کرده‌ام می‌تواند آشکارا و دقیق و عینی‌تری برآمان حاصل بیاورد. خصوصیات خاص هر رمان هم طبعاً گاهی بر روی‌های خاصی را برایش ضروری می‌کرده، مثل توجه به نوع داستان و یا اثر خاص یک رمان، که در بخش مربوط به هر رمان این جنبه‌های خاص را خواهید دید.

به جز آن دسته‌بندی کلی مدرن‌بودن که باعث شده من همه‌ی این رمان‌ها را در این مجموعه بیاورم، مشخص کردن نوع این رمان‌ها هم جزء کارهایی است که همچنان محل مناقشه خواهد ماند. دلیلش هم چیست؟ بهر نااهم‌زمانی ما با داستان‌نویسی جهان نیست و این که برخلاف نویسندگان غربی که گام‌به‌گام پیش رفته‌اند و فاصله‌شان با پیش‌و پس خود اغلب روشن بوده است، نویسندگان ما هم‌زمان زیر تأثیر چند نوع داستان بوده‌اند و گاهی تکلیف خود را نمی‌توانسته‌اند با هر شیوه یا نوع داستان‌نویسی معلوم کنند، و از این جهت کارشان ترکیبی است از چند نوع گوناگون که چه‌بسا در کشورهای مبداء این شیوه‌های ترکیبی، به نظر متضاد هم می‌آمده است، اما به هر حال آن‌چه در این رمان‌ها حاصل شده تجربه‌هایی

غریب هم هست و چه بسا بشود گفت اصالت هم دارد؛ چه شازده احتجاب باشد که ترکیبی است از جریان سیال ذهن و اتفاقات سوررئالیستی، چه سنگ صبور باشد با زمینه‌ی ناتورالیستی و شیوه‌های مدرن نزدیک به سیلان ذهن، چه حتا بوف کور باشد با ذهنی‌گرایی سوررئالیستی در ترکیب با نگاهی تاریخی.

ممکن است این سؤال هم در انتخاب رمان‌های این مجموعه پیش بیاید که چرا از گلشیری دورمان هست و از بقیه یکی. خب، برخلاف نویسنده‌گان رئالیستی مانند احمد محمود و محمود دولت‌آبادی که حداقل دویا چند رمان معتبر و افتاده به بیان‌ها دارند، بسیاری از این نویسنده‌گان مدرن فقط یک رمان مشهور دارند؛ هدایت، دلشهر، چوبک، و صادقی یک رمان مشهور دارند و طبیعی بود که جز بر همان می‌توانست تکیه‌ای کنم. از آل احمد می‌شد بر مدیر مدرسه‌اش هم دست گذاشت، اما به گمان من سطح آن فاصله‌ی قابل توجهی با سنگی بر گوری داشت و جنبه‌های رئالیستی آن هم آن قدر پر رنگ بود که مدرن‌بودنش را مناقشه‌برانگیز کند. گلشیری رمان‌های مطرح شده دارد اما از نگاه من و به جز شازده احتجاب (که بر روی آن توافق جمعی وجود دارد) سه رمان کریستین و کید بر جسته است و اگر نگوییم از نگاه من بر جسته‌ترین رمان فارسی است، دست‌کم آن را جزء پنج رمان برتر همیشه انتخاب خواهم کرد. پس بردنش در کنار شازده احتجاب نباید تعجبی داشته باشد. کارهایی هم بوده‌اند مثل یحلیا و سهارا، او که در زمان انتشار کار قابل توجهی محسوب می‌شده‌اند، به‌خصوص از جهت آوازه‌ساز سطور و به داستانی امروزی، اما شخصاً آن را نه داستان که نوعی پیشاداستان می‌دانم یعنی نوعی رمانس. به همین جهت جایی برای آن در این مجموعه در نظر نگرفته‌ام. رمان‌هایی مانند شب هول، شب یک شب دو، سفر شب و یکی دو کار دیگر هم هستند که در این سال‌ها از طرف بعضی از نویسنده‌ها به‌شان توجه شده و خوانده می‌شوند، اما از چشم من قوت‌هاشان در حدی نبود که در این مجموعه گنجانده شوند. ضمن این‌که اگر قرار بود هر کاری را که عده‌ی فقط پسندیده‌اند و به نظرشان کار مهمی آمده در این مجموعه بگنجانم، لابد این کتاب چند برابر این حجم پیدا

می‌کرد و به این زودی‌ها و ساده‌گی‌ها هم تمام نمی‌شد. پس ناگزیر باید در درجه‌ی اول به نگاه خودم و در درجه‌ی دوم به آن‌چه بر آن اتفاق نظر جمعی بیش‌تری هست، وفادار می‌ماندم که نتیجه هم همین کتاب شد.

در آخر، امیدوارم که دست‌کم نویسندگان ما بتوانند هر کدام تسویه‌حساب شخصی خود را با هر کدام از این نویسندگان و کتاب‌ها داشته باشند، و چه حاصل آن تسویه‌حساب‌ها مقاله و کتابی باشد یا نه، در نهایت با درونی‌کردن همه‌ی تجربه‌های این نویسندگان از آن‌ها برگذرند و چشم به آینده داشته باشند و مغبون و حسرت‌خور گذشته نباشند. چنین باد.